

بِنَامِ پُرورِ دُکارِ گیتا

رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

آتوسا رستم‌بیک تفرشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم خان زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

مؤلف: آتوسا رستم‌بیک تفرشی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سید محمد حسین محمدی

ویراستار: سیاوش صفری

صفحه‌آرای: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۵۳۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: رستم‌بیک تفرشی، آتوسا، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی آتوسا رستم‌بیک تفرشی؛
ویراستار سیاوش صفری.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۹۸ ص: جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۵]-[۲۳۶].

موضوع: گویش‌شناسی -- تحقیق

Dialectology – Research

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندي كنگره: PIR3221

رده بندي ديوسي: ۴۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۹۲۰۵

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست

| | |
|--|----|
| سپاسگزاری..... | ۳ |
| آغاز سخن..... | ۹ |
| فصل اول: مقدمات..... | ۱۳ |
| ۱.۱ مقدمه..... | ۱۳ |
| ۲.۱ از زبان تالهجه..... | ۱۴ |
| ۱.۲.۱ معیار فهم متقابل..... | ۲۱ |
| ۲.۲.۱ معیار استقلال ووابستگی..... | ۲۳ |
| ۳.۲.۱ معیار قدرت و وحدت..... | ۲۴ |
| ۴.۲.۱ معیار کمی..... | ۲۴ |
| ۳.۱ مرزهای همگویی و پیوستار گویشی..... | ۲۵ |
| ۴.۱ زنجیرهای گویشی (انتقال و تغییر زبانی)..... | ۲۷ |
| ۵.۱ متغیر زبانی..... | ۲۸ |
| ۶.۱ تاریخچه پژوهش‌های گویشی..... | ۳۰ |
| ۷.۱ پژوهش‌های گویشی در ایران..... | ۴۱ |
| ۸.۱ خلاصه..... | ۴۵ |
| فصل دوم: جغرافیای گویشی..... | ۴۶ |
| ۱.۲ مقدمه..... | ۴۶ |
| ۲.۲ زبان‌شناسی تاریخی- تطبیقی..... | ۴۷ |
| ۳.۲ گویش‌شناسی سنتی..... | ۵۱ |
| ۱.۳.۲ جغرافیای گویشی..... | ۵۵ |
| ۲.۳.۲ گویش‌شناسی ساختگرا..... | ۶۶ |
| ۳.۳.۲ گویش‌شناسی زایشی..... | ۷۲ |
| ۴.۲ روش‌های دسته‌بندی ناحیه‌ای..... | ۷۳ |
| ۵.۲ خلاصه..... | ۸۰ |

۴ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

| |
|---|
| ۶.۲ فهرست برخی از اطلاس‌های گویشی ۸۱ |
| فصل سوم: گویش‌شناسی اجتماعی ۸۴ |
| ۱.۳ مقدمه ۸۴ |
| ۲.۳ زبان به مثابه یک حقیقت اجتماعی ۸۵ |
| ۳.۳ زبان‌شناسی اجتماعی ۸۶ |
| ۴.۳ گویش‌شناسی اجتماعی ۸۸ |
| ۵.۳ گویش‌شناسی به مثابه شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی؟ ۹۰ |
| ۶.۳ مفاهیم بنیادی در گویش‌شناسی اجتماعی ۹۲ |
| ۱.۶.۳ گویش منطقه‌ای در مقابل گویش اجتماعی ۹۲ |
| ۲.۶.۳ گونه زبان‌شناسی اجتماعی ۹۳ |
| ۳.۶.۳ جغرافیای گویشی در مقابل گویش‌شناسی اجتماعی ۹۳ |
| ۴.۶.۳ گویش محلی ۹۴ |
| ۵.۶.۳ سبک ۹۴ |
| ۶.۶.۳ متغیر زبانی ۹۵ |
| ۷.۶.۳ تنوع زبانی و تغییر زبان ۹۶ |
| ۸.۶.۳ تنوع ناحیه‌ای در مقابل تنوع اجتماعی ۹۷ |
| ۹.۶.۳ برخورد / تماس گویش‌ها ۹۹ |
| ۱۰.۶.۳ پراکندگی ۱۰۲ |
| ۷.۳ روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی ۱۰۷ |
| ۸.۳ خلاصه ۱۱۴ |
| فصل چهارم: گویش‌شناسی ادراکی ۱۱۵ |
| ۱.۴ مقدمه ۱۱۵ |
| ۲.۴ گویش‌شناسی ادراکی ۱۱۶ |
| ۳.۴ روش پژوهش در گویش‌شناسی ادراکی ۱۲۰ |
| ۴.۴ رویکردی تلفیقی در مطالعات گویش‌شناسی ۱۳۲ |
| ۵.۴ خلاصه ۱۳۵ |
| فصل پنجم: گویش‌شناسی پیکره‌بنا و گویش سنجی ۱۳۶ |
| ۱.۵ مقدمه ۱۳۶ |
| ۲.۵ زبان‌شناسی پیکره‌ای ۱۳۷ |

فهرست ۵

| | |
|-----------|--|
| ۱۴۰ | ۳.۵ گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد |
| ۱۴۴ | ۱.۳.۵ روش‌های تهیه پیکره گوییشی |
| ۱۴۸ | ۲.۳.۵ تحلیل پیکره‌های گوییشی |
| ۱۵۲ | ۴.۵ گویش‌سنجدی |
| ۱۵۵ | ۱.۴.۵ گویش‌سنجدی و بررسی ناحیه و پیوستار گوییشی |
| ۱۵۶ | ۲.۴.۵ روش‌های گویش‌سنجدی |
| ۱۶۱ | ۵.۵ گویش‌سنجدی پیکره‌بنیاد |
| ۱۶۳ | ۶.۵ خلاصه |
| ۱۶۵ | فصل ششم: رده‌شناسی گویشی و مستندسازی زبان |
| ۱۶۵ | ۱.۶ مقدمه |
| ۱۶۶ | ۲.۶ رده‌شناسی |
| ۱۷۰ | ۳.۶ گویش‌شناسی و رده‌شناسی |
| ۱۷۵ | ۴.۶ رده‌شناسی گویشی |
| ۱۸۱ | ۵.۶ زبان‌های در خطر و مستندسازی زبان |
| ۱۸۱ | ۱.۵.۶ مرگ زبان‌ها |
| ۱۸۶ | ۲.۵.۶ مستندسازی و توصیف زبان |
| ۲۰۲ | ۶.۶ خلاصه |
| ۲۰۳ | پایان سخن |
| ۲۰۵ | فهرست منابع |
| ۲۳۷ | واژه‌نامه |
| ۲۳۷ | واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی) |
| ۲۵۰ | واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی) |
| ۲۶۳ | پیوست: فهرست برخی از پژوهش‌های گویشی در ایران |
| ۲۶۳ | فرهنگ‌های لغت و واژه‌نامه‌های گویشی |
| ۲۷۲ | تک‌نگاشتها |
| ۲۸۸ | آثار ادبی (شعر، داستان) به گویش‌های مختلف |
| ۲۹۸ | اطلس‌ها و راهنمای‌های گویشی |

۶ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

فهرست شکل‌ها

| | | |
|---------|---|-----|
| شکل ۱.۲ | انواع پرسشنامه در پژوهش‌های جغرافیای گویشی..... | ۶۰ |
| شکل ۲.۲ | انواع پرسش‌ها در مطالعات جغرافیای گویشی..... | ۶۲ |
| شکل ۳.۲ | رویکرد تاریخی - تطبیقی به پژوهش‌های گویشی..... | ۷۹ |
| شکل ۴.۲ | رویکرد جغرافیای گویشی..... | ۸۰ |
| شکل ۱.۳ | روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی..... | ۱۱۲ |
| شکل ۱.۴ | سه رویکرد به داده‌های زبانی..... | ۱۱۷ |
| شکل ۲.۴ | غربی‌ترین ناحیه برای بانت شمالی با استفاده از روش پیکان‌های کوچک..... | ۱۲۱ |
| شکل ۳.۴ | ناحیه‌های گویشی هلندی..... | ۱۲۲ |
| شکل ۴.۴ | ناحیه‌های کلی..... | ۱۲۵ |
| شکل ۵.۴ | ناحیه‌های کلی..... | ۱۲۶ |
| شکل ۶.۴ | ناحیه‌ها و گویش‌ها در کالیفرنیا..... | ۱۲۶ |
| شکل ۷.۴ | ناحیه‌های گفتاری میشیگان جنوب‌شرقی..... | ۱۲۸ |
| شکل ۸.۴ | پاسخ به پرسش میزان خوشایندبودن گفتار در آلاما..... | ۱۳۰ |
| شکل ۱.۵ | نمونه‌ای از نقشه کروپلت | ۱۶۰ |
| شکل ۲.۵ | نمونه‌ای از نقشه پرتویی | ۱۶۱ |
| شکل ۱.۶ | روش پژوهش در مطالعات رده‌شناختی..... | ۱۷۴ |
| شکل ۲.۶ | به سوی رویکردی یکپارچه در بررسی تنوع زبانی..... | ۱۷۶ |

فهرست جداول

| | | |
|----------|---|-----|
| جدول ۱.۴ | جایگاه گویش‌شناسی ادراکی درون زبان‌شناسی عامیانه..... | ۱۱۹ |
| جدول ۲.۴ | رویکرد گفت‌وگویی فرضی به گویش‌شناسی..... | ۱۳۴ |
| جدول ۱.۶ | کاربردهای اصطلاح «توصیفی»..... | ۱۸۹ |
| جدول ۲.۶ | تفاوت گردآوری و تحلیل اولیه داده‌های زبانی..... | ۱۹۰ |
| جدول ۳.۶ | جنبهای نظری و عملی مستندسازی زبان | ۱۹۳ |
| جدول ۴.۶ | چهارچوب اصلی مستندسازی | ۱۹۵ |

سپاس‌گزاری

از استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر عاصی، بی‌نهایت سپاس‌گزارم. هم در مقام ریاست محترم پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی که هیچ‌گاه برای دیدارشان با درسته روبه‌رو نشده‌ام و هم در مقام استادم که هر پرسشی را با روی‌گشاده پاسخمند داده‌ام.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر صفار مقدم، مدیر محترم گروه کاربردی زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی که راهنمایی‌های ارزشمندشان راه‌گشای این پژوهش بوده است، سپاس‌گزارم.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر مدرسی قدردانی می‌کنم که در مراحل مختلف این پژوهش از مشورت با ایشان بهره‌مند بوده‌ام.

سپاس‌گزار استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر ایران کلباسی، هستم که بذر گویی‌شناسی را در دلم کاشتند.

آغاز سخن

پژوهش‌های گویشی شامل بررسی‌های تاریخی - تطبیقی متمرکز بر گونه‌های زبانی، ریشه‌شناسی واژه‌ها و ترسیم درخت زبانی، بررسی تفاوت‌ها و تنوع‌های زبانی و گویشی به شیوه هم‌زمانی و یا درزمانی در جوامع زبانی مختلف در سطح یک یا چند ناحیه جغرافیایی، همچنین تلاش برای ثبت و حفظ تنوع‌های زبانی و جلوگیری از زوال و نابودی آن‌ها از دیرباز در کانون توجه گروه‌های مختلفی از پژوهشگران زبان‌شناس، مردم‌شناس و جامعه‌شناس و... قرار داشته‌اند. پژوهش‌های گویشی مانند سایر شاخه‌های زبان‌شناسی می‌توانند با رویکردها و اهداف متفاوتی انجام گیرند و در نیل به مقصود از روش‌ای کمی و کیفی و ابزار گوناگون بهره گیرند. هر چند در استقلال این حیطه به عنوان شاخه‌ای مجزا در زبان‌شناسی و یا تلقی آن به مثابه زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی همواره اختلاف‌نظرهایی وجود داشته است که شاید تا حدی ناشی از پیوند میان تنوع‌های زبانی با مفاهیم و متغیرهای اجتماعی مانند قوم، نژاد، فرهنگ، مذهب، طبقه اجتماعی باشد. در عین حال، ماهیت در زمان تغییرات زبانی موجب شده است که برخی گویش‌شناسی را شاخه‌ای از زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی در نظر گیرند. واقعیت این است که بررسی‌های گویشی نه تنها از منظر زبان‌شناسی حائز اهمیت‌اند، از منظر تاریخی و فرهنگی می‌توانند از رازهای پنهان بسیاری پرده بردارند. به این ترتیب، شاید اختلاف‌نظرها و مباحث مرتبط با این حیطه را نیز بتوان ذات چنین پدیده زبان - جامعه‌شناسخانه دانست و از آن استقبال کرد. گویش‌شناسی مستقل باشد یا نباشد، فصل مشترک این رویکردهای مختلف تأکید بر اهمیت ثبت و توصیف و بررسی گویش‌ها به مثابه منابع غنی زبانی و فرهنگی است که گویش‌شناسی را به حیطه‌ای کاربردی مبدل ساخته است. زبان‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی، واژه‌سازی، قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا و جامعه‌شناسی تنها برخی از حیطه‌هایی اند که می‌توانند از داده‌های گویشی بهره گیرند. اهمیت پژوهش‌های گویشی زمانی دوچندان می‌شود که سخن از زوال یک گونه زبانی خاص و کهن

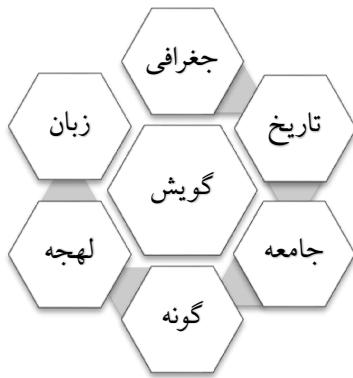
۱۰ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

طرح به میان آید. همایون (۱۳۹۰) در پیش‌گفتار کتاب واژه‌نامهٔ شصت و هفت گویش ایرانی (کیا، ۱۳۹۰) در تأیید اهمیت پژوهش‌های گویشی به کاربرد اطلاعات گویشی در واژه‌سازی و یافتن معادل مناسب برای سیل واژه‌های جدید از زبان‌های غربی به فارسی اشاره می‌کند. او با اشاره به تأثیر تسلط زبان رسمی از طریق وسائل جمعی الکترونیکی و آشنایی و اصرار گویشوران بر کاربرد زبان رسمی به جای گویش‌ها بر زوال گویش‌های منطقه‌ای یا ازبین‌بردن واژه‌های اصیل و کهن آن‌ها گردآوری بازمانده گویش‌ها را ضرورتی انکارنشدنی می‌داند. خطر زوال گویش‌های ناحیه‌ای و زبان‌های اقلیت، بهویژه در سال‌های اخیر، نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان توجه بسیاری از زبان‌شناسان و سازمان‌ها و علاقه‌مندان حفظ میراث فرهنگی را به خود جلب کرده است و منابع مادی و معنوی گستره‌ای برای حفظ زبان‌ها و گویش‌های در خطر اختصاص یافته است. حسن‌دوست (۱۳۸۹: ۹) نیز در اهمیت حفظ گویش‌های ایرانی در پیش‌گفتار فهنه‌گ تطبیقی - موضوعی گویش‌های ایرانی نو به تأثیر گسترش زبان فارسی در محدوده سیاسی ایران، به سبب آموزش آن در مدارس، انتشار کتاب، روزنامه و جز آن، و فراگیرشدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون بر رنگ‌باختی و فراموششدن گویش‌های محلی تأکید کرده است.

گویش‌شناسی نیز همچون سایر علوم در گذر زمان دستخوش دگرگونی شده است. پژوهش‌های گویشی در آغاز، متأثر از زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، بر تنواع‌های درزمانی و روابط خویشاوندی زبان‌ها متمرکز بودند. سپس، جنبه‌های توصیفی و هم‌زمانی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند و هم‌زمان با رویکردهای ساخت‌گرا و زایشی در زبان‌شناسی از گویش‌شناسی ساخت‌گرا و زایشی نیز سخن به میان آمد. در آن زمان، بررسی تنواع‌های زبانی متأثر از پراکندگی‌های جغرافیایی هسته‌ای مطالعات به شمار می‌آمد. در نیمه‌های قرن بیستم، توجه به چند بعدی بودن تنواع‌های زبانی و گویشی از یک سو و اهمیت یافتن مطالعات میان‌رشته‌ای از سوی دیگر عرصه را برای پژوهش کردن در حوزه گویش‌شناسی اجتماعی فراخ‌تر کرد و بررسی رابطه میان تنواع زبانی و متغیرهای اجتماعی در مرکز توجه قرار گرفت. در همین زمان، برخی گویش‌شناسان، با تأکید بر اهمیت نگرش‌های زبانی در میان عامه مردم، به بررسی ادراک زبانی پرداختند و گویش‌شناسی ادراکی را بنیان نهادند. گویش‌شناسی ادراکی، که با گویش‌شناسی اجتماعی پیوندی عمیق دارد، محور پژوهش‌های گویشی بسیاری بوده و هست. از سوی دیگر، انقلاب دیجیتال و تحول و ارتقای ابزارهای ثبت، تحلیل و نمایش داده‌های گویشی و ورود نرم‌افزارهای گوناگون به این حیطه و تکیه بر اهمیت تحلیل‌های آماری چندمتغیره در تبیین تنواع‌های زبانی به شکل‌گیری حیطه‌های جدیدی چون گویش‌شناسی پیکربندی و گویش‌سنجه

منجر شد. پیکره‌های گویشی امکان بررسی انواع مشخصه‌های زبانی، به ویژه صرفی و نحوی، را ممکن کرده است و این خود رابطه میان گویش‌شناسی و رده‌شناسی زبان را بیش از پیش پُررنگ کرده است تا آنجا که سخن از رده‌شناسی گویشی به میان آمده است. در نهایت، آنچه که همواره از رسالت‌های اصلی پژوهش‌های گویشی به شمار می‌آید نگه‌داری و ثبت زبان‌ها و گویش‌ها به مثابه گنجینه‌های فرهنگی اقوام است. فرآیندی که امروزه با عنوان مستندسازی زبان تا آنجا اهمیت یافته است که در بعضی کشورها به عنوان یک رشتۀ دانشگاهی آموزش داده می‌شود. در این جستار تلاش شده است شرحی موجز و مقدماتی از رویکردهای سنتی و جدید در گویش‌شناسی با ارجاع به منابع دست‌اول و معتبر فراهم آید تا مخاطب این اثر بتواند با آشنایی مقدماتی با رویکردها و منابع اصلی آن‌ها، در حوزه مورد علاقهٔ خود، مطالعات عمیق‌تر و تخصصی‌تری به انجام رساند. مطالب در قالب شش فصل تدوین شده‌اند: در فصل اول، که مقدمات را در بر می‌گیرد، به مفاهیم بنیادی و کلیدی در گویش‌شناسی پرداخته می‌شود و تاریخچه مختص‌ری از پژوهش‌های گویشی توسط پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی ارائه می‌شود. فصل دوم بر پژوهش‌های گویشی از منظر زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی و جغرافیای گویشی (گویش‌شناسی منطقه‌ای) به عنوان رویکردهای سنتی گویش‌شناسی متمرکز است. در فصل سوم با عنوان «گویش‌شناسی اجتماعی»، اهمیت توجه به متغیرهای اجتماعی در پژوهش‌های گویشی و نیز روش‌شناسی پژوهش در این حوزه بحث و بررسی می‌شود. فصل چهارم به «گویش‌شناسی ادراکی» اختصاص دارد و اهمیت آگاهی از نگرش‌های زبانی اعضای جامعه در شناسایی مرزهای زبانی یا اهمیت تفاوت‌های زبان‌شناختی بین گونه‌های زبانی شرح داده می‌شود. در فصل پنجم با عنوان «گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد و گویش‌سنجه‌ی»، به تحول در پژوهش‌های گویشی با گسترش ابزارها و تحلیل‌های رایانه‌ای پرداخته می‌شود. در فصل ششم با عنوان «رده‌شناسی گویشی و مستندسازی زبان»، از یک سو کاربرد داده‌های گویشی در مطالعات رده‌شناسی زبانی و بالعکس و از سوی دیگر مستندسازی زبان‌های در خطر و شیوه‌ها و اهمیت آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان، در بخش پیوست، فهرستی از کتاب‌های منتشرشده در ایران در حوزه مطالعات گویشی ارائه می‌گردد تا تصویری از تنوع موضوعی و روش‌شناختی در این حوزه به دست داده شود و مشخص شود در کدام‌یک از حوزه‌ها یا در مورد کدام‌یک از زبان‌ها و گویش‌ها با غنا و تعدد پژوهش مواجهیم و در مورد کدام‌یک با قدر توجه و پژوهش‌های محدود. این فهرست علاوه‌بر معرفی منابع به دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه، چشم‌انداز وسیع و ابعاد گوناگون پژوهش‌های گویشی را نیز آشکار می‌سازد.

فصل اول: مقدمات



۱.۱ مقدمه

فصل پیش‌رو با عنوان مقدمات بر دو موضوع کلی متمرکز است. اول، شرح مفاهیم بنیادی در حوزه گویش‌شناسی^۱ و بحث و بررسی برخی از ابهامات ذاتی این مفاهیم و راهکارهای ارائه شده برای رفع آن‌ها. دوم، ارائه تاریخچه مختصراً از پژوهش‌های گویشی تأثیرگذار و پیشرو در جهان و ایران. با اینکه در بسیاری از این پژوهش‌ها، بهویژه با رویکرد سنتی، شناسایی مرزهای گویشی و طبقه‌بندی گویش‌ها و لهجه‌ها از اهداف اصلی پژوهش بوده‌اند، در ارائه تعریف و معیار عینی و دقیقی که بتوان با استفاده از آن گفتار جوامع زبانی مختلف را با برچسب‌های زبان و گویش و لهجه دسته‌بندی کرد تردیدها و موافع بسیاری وجود دارد و این دسته‌بندی‌ها در نهایت با توجه به اهداف پژوهش یا رویکرد نظری اتخاذ شده تغییر می‌کنند. با توجه به اهمیت این مفاهیم، این فصل با تعریف زبان، گویش، لهجه، گونه و معیارهای ارائه شده برای تمیز و تشخیص آن‌ها از یکدیگر آغاز می‌شود. سپس، مفهوم مرز همگویی، که

1. dialectology

۱۴ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

کاربردی دیرینه در پژوهش‌های گویشی داشته است، شرح داده می‌شود و تردیدهایی که درباره وجود مرزهای زبانی و گویشی قطعی مطرح اند با اشاره به دلایل و شواهد مورد بحث قرار می‌گیرند و مفاهیم پیوستار گویش جغرافیایی و پیوستار گویش اجتماعی معرفی می‌گردند. زنجیرهای گویشی، تغییر زبان، متغیر زبانی و بازنمایی گویش در متون نوشتاری از دیگر موضوعاتی اند که در این فصل به آن‌ها پرداخته می‌شود. در شرح تاریخچه گویش‌شناسی ابتدا به خاستگاه پژوهش‌های گویشی و انگیزه و اهداف رویکردهای سنتی گویش‌شناسی اشاره می‌شود. سپس، سیر تحول این پژوهش‌ها و دلایل و اهداف پیدایش رویکردهای نوین شرح داده می‌شوند. در بررسی تاریخچه گویش‌شناسی در ایران، به نخستین طرح‌های ملی و آثار پیشرو در هر شاخه از گویش‌شناسی پرداخته می‌شود.

۲.۱ از زبان تا لهجه

زبان^۱ چیست؟ شاید بتوان گفت که این پرسش یکی از قدیمی‌ترین پرسش‌های تاریخ بشریت است که ردپای آن در همه‌جا از اسطوره‌های باستانی و داستان‌های مذهبی گرفته تا فلسفه و تاریخ و زبان‌شناسی دیده می‌شود. به باور نوسل^۲ (۶۶۵-۲۰۰۶)، «پاسخ به این پرسش بنیادی کار آسانی نیست. تعریف استادان زبان‌شناسی اغلب این‌گونه است: زبان یک نظام فرادرادی متشكل از نشانه‌های آوایی (با دیداری) است که اعضای یک جامعه زبانی با هدف برقراری ارتباط به کار می‌گیرند. این تعریف شش عنصر را در بر دارد. اول، قراردادی است، زیرا آواها و صورت‌های زبانی در زبان‌های مختلف با هم تفاوت دارند و رابطه صورت زبانی و معنی آن تقریباً همواره قراردادی است. دوم، نظاممند است، زیرا از تعداد محدودی قاعده برای خلق تعداد نامحدودی از ترکیب‌های ممکن استفاده می‌کند (در سطوح واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو، واژگان، معناشناسی). سوم، به طور کلی صوتی است، هر چند در برخی از زبان‌ها مانند زبان اشاره از نشانه‌های دیداری استفاده می‌شود. چهارم، نمادین است، زیرا آواها و نشانه‌های دیداری اش مفاهیم و عقاید را بازتاب می‌دهند. پنجم، اعضای یک جامعه زبانی از زبان خاصی برای بیان فرهنگ‌شان استفاده می‌کنند. در نهایت، جامعه زبانی از زبان برای بیان باورها، احساسات و عواطفش استفاده می‌کند.» نوسل (همان: ۶۷۸) همچنین معتقد است:

1. language

2. F. Nuessel

(ازبان ابزاری چند نقشی است که به ما به عنوان موجوداتی اجتماعی امکان می‌دهد که نه تنها در زندگی روزمره‌مان بلکه با استفاده از فناوری‌های جدید با مردم سراسر دنیا در تعامل باشیم. ثبت وقایع گذشته و حال با استفاده از زبان ممکن شده است و نظام نوشتاری نمایانده گذشته ماست. این حقیقت که محتوای فرهنگی نیز به شیوه‌های مختلف و طریفی در زبان رمزگذاری می‌شود بر اهمیت زبان می‌افزاید. انتخاب واژگانمان و صورت‌های دستوری خاصی که به کار می‌بریم نمایانده ادراک ما از جهان است. اروینگ گافمن^۱ معتقد است که همه مراواتات اجتماعی ما گرد زبان می‌چرخد و چه بسا گاهی گرد نبود آن (سکوت). هنگام استفاده از زبان حجم قابل ملاحظه‌ای از اطلاعات متوازی درباره خود و باورهایمان به شیوه‌ای غیرمستقیم رمزگذاری می‌شود.»

نکته جالب توجه این است که هنوز درباره زبان‌های دنیا اطلاعات دقیق و کافی نداریم. حتی درباره اینکه چند زبان در دنیا وجود دارد نیز توافق عام وجود ندارد. هر چه بیشتر آگاهی می‌یابیم، شماره زبان‌ها نیز بیشتر می‌شود. در نیمة اول قرن بیستم، تعداد زبان‌ها بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ تخمین زده می‌شد (گری، ۱۹۳۹^۲؛ ۴۱۸: ۱۹۳۹) ولی در اوایل نیمة دوم قرن بیستم تعداد زبان‌ها بین ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ برآورد شد (سامارین، ۱۳۸۷: ۹) و امروزه نیز حدود ۷۰۰۰ تخمین زده می‌شود.^۳ در عین حال، همان‌طور که وارداف^۴ (۲۰۰۶: ۲۵) اشاره کرده است: «همه زبان‌ها توع درونی دارند و به گونه‌های^۵ مختلفی دیده می‌شوند و به نوعی مجموعه‌ای از این گونه‌ها هستند.» هادسون^۶ (۱۹۹۶: ۲۲) گونه را «مجموعه‌ای از اقلام زبانی با توزیع مشابه» تعریف می‌کند که بر طبق آن انگلیسی کانادایی، انگلیسی لندنی، انگلیسی مفسران فوتبال و غیره را نیز می‌توان یک گونه زبانی به شمار آورد. به عبارتی، می‌توان با توجه به توزیع اجتماعی اقلام زبانی موردنظر، همه زبان‌های گویشوران یا جامعه‌ای چندزبانه را به مثابه یک گونه واحد در نظر گرفت. بنابراین، یک گونه می‌تواند بزرگ‌تر از یک زبان واحد باشد و یا کوچک‌تر، حتی کوچک‌تر

.۱ E. Goffman (1922-1982)

2. L. H. Gray

3. <https://www.ethnologue.com/>

4. R. Wardhaugh

5. variety

6. R. A. Hudson

۱۶ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

از آنچه به طور سنتی گویش^۱ نامیده می‌شود، فرگوسن^۲ (۱۹۷۲: ۳۰) تعریف دیگری از گونه ارائه می‌دهد: برای آنکه بتوانیم پیکرهای از الگوهای زبان انسان را گونه بنامیم، باید دو ویژگی داشته باشد: اول، به اندازه کافی همگن باشد که بتوان آن را با استفاده از فنون رایج توصیف همزمانی^۳ تحلیل کرد. دوم، عناصر زبانی و آرایش و فرآیندهایشان به لحاظ معنایی به اندازه‌ای وسیع باشد که در همه بافت‌های ارتباطی رسمی کاربرد داشته باشند. به واژه به اندازه کافی همگن توجه داشته باشید، به این معنی که همگن بودن کامل لازم نیست، زیرا همواره نوعی از تنوع وجود دارد که تفاوت بین زبان، گویش یا گفتار گروهی از گویشوران یک گویش یا در نهایت هر یک از افراد آن گروه را شکل می‌دهد. چنین تنوعی از اصول بنیادی زبان‌شناسی به شمار می‌آید. نقطه مشترک تعریف هادسون و فرگوسن اشاره به اقلام یا الگوهای زبانی (یعنی آواها، واژه‌ها، مشخصه‌های دستوری و غیره) است که می‌توانیم آن‌ها را با برخی عوامل خارجی (مانند ناحیه جغرافیایی یا گروه اجتماعی) مرتبط دانیم. در نتیجه، با شناسایی چنین مجموعه‌ای خاصی از اقلام یا الگوهای زبانی می‌توانیم از گونه‌هایی چون انگلیسی استاندارد، کاکنی^۴، گفتار طبقه‌پایین شهر نیویورک، انگلیسی آکسفوردی^۵، انگلیسی مهمانی عصرانه و غیره (نگاه کنید به وارداف، ۲۰۰۶: ۲۵) و یا از فارسی کرمانی، فارسی چاله‌میدانی یا فارسی معیار نیز سخن برانیم.

در مطالعات گویش‌شناسی معمولاً جنبه‌ای از تعریف زبان مدنظر است که زبان را در مقابل با گویش قرار دهد. به عبارتی، تفاوت گویش و زبان از موضوعاتی است که همواره در گویش‌شناسی به آن پرداخته شده است. در حالی که مردم معمولاً^۶ می‌دانند به چه زبانی صحبت می‌کنند، ممکن است در تشخیص اینکه زبانشان زبان است یا گویش مشکل داشته باشند که البته چندان هم دور از انتظار نیست: دقیقاً چگونه می‌توان تشخیص داد که کدام زبان است و کدام گویش.

به تعریف وارداف (۲۰۰۶: ۲۷) گاهی زبان و قومیت به نوعی هم معنی در نظر گرفته می‌شوند. برای نمونه، چینی‌ها و ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها به ترتیب چینی و ژاپنی و کره‌ای صحبت می‌کنند. یک چینی بسیار متعجب می‌شود اگر ببیند یک فرد چینی دیگر چینی صحبت

1. dialect

2. C.A. Ferguson

3. synchronic

4. Cockney

5. Oxford English

نمی‌کند. این موضوع باعث شده است که حتی در مواردی که دو گروه قومی مختلف به زبان واحدی صحبت می‌کنند، ادعاهای باورنکردنی مبنی بر عدم درک زبانی بین دو قوم مشاهده شود، مانند ژاپنی‌هایی که ادعا می‌کنند زبان فرقاژی‌هایی را که به روانی ژاپنی حرف می‌زنند متوجه نمی‌شوند. چنین ارتباط قوی‌ای بین زبان و قومیت در شکل‌گیری ملت‌ها می‌تواند مشکل‌ساز هم باشد، بهویژه وقتی فرد به دنبال یافتن هویت جدیدی باشد، مانند افرادی که هم چینی هستند و هم امریکایی یا کره‌ای‌هایی که بیشتر کانادایی هستند و نه کره‌ای - کانادایی. بسیاری از امریکایی‌ها تمايلی ندارند که زبان و قومیت را با یكديگر مساوی بدانند و با اينکه انگلیسي را زبان اصلی امریکایی‌ها به شمار می‌آورند، آن را يك برجسب قومی نمی‌دانند. به اين ترتيب، برای تعریف زبان از چه معیاري می‌توان استفاده کرد؟ چه تفاوت اساسی بین زبان و گویش وجود دارد؟ در ادامه به تعابير متفاوت از گویش اشاره می‌شود و برخی از معیاري‌هاي متماييزکننده زبان و گویش معرفی می‌شوند.

زمردیان (۱۳۷۹: ۱۳) گویش‌شناسی را گردآوري و توصیف گویش‌ها معرفی می‌کند که به نقل از دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۲۴) در زبان‌شناسی امروز، کاربرد بی‌نشان، خشی و پیش‌فرض آن در واقع همان گویش جغرافیایی^۱ است، یعنی گونه‌هایی از يك زبان که بین گویشوران آن‌ها فهم متقابل وجود دارد اما با فاصله جغرافیایی از هم واقع‌اند. اما در کنار گویش جغرافیایی از «گویش اجتماعی»^۲، «گویش شهری»^۳، «گویش فردی»^۴، «گویش جنسیتی»^۵ و «گویش نسلی»^۶ نیز می‌توان سخن گفت. در هر مورد مبنای گوناگونی زبان عاملی متفاوت است، مانند عامل جغرافیایی، اجتماعی (همچون تحصیلات یا شغل)، فردی، جنسیتی، یا گروه‌سنجی و فاصله نسلی (همان‌جا).

به تعریف چمبرز^۷ و ترادگیل^۸ (۲۰۰۴: ۳) در کاربرد عامیانه، گویش صورت غیراستاندارد و پایین‌تر و اغلب روستایی زبان به شمار می‌آید و عموماً با رعایا، طبقه کارگر یا با گروه‌هایی که به

1. geographical dialect/ geolect
2. social dialect/ sociolect
3. urban dialect
4. idiolect
5. genderlect
6. generationlect
7. J. K. chambers
8. P. Trudgill

لحاظ اجتماعی اعتبار و منزلت کمتری دارند پیوند خورده است. همچنین، برای اشاره به صورت‌هایی از زبان که به‌ویژه در نواحی دورافتاده دنیا صحبت می‌شود و صورت نوشتاری ندارد از اصطلاح گویش استفاده می‌شود. گویش را اغلب نوعی انحراف (معمولًاً غلط) از صورت هنجار و معیار نیز در نظر می‌گیرند، ولی گویش‌شناسان شناخته‌شده‌ای چون تراوگیل (۲۰۰۴) هیچ‌یک از این تعابیر را مدنظر قرار نمی‌دهند و فرض را بر این می‌گذارند که همه گویشوران گویشور دست‌کم یک گویش هستند. به باور ایشان انگلیسی معیار، برای مثال، همان اندازه گویش است که هر صورت دیگر از زبان انگلیسی و به‌هیچ‌وجه به لحاظ زبان‌شناختی یک گویش از گویش دیگر برتر نیست. فرامکین^۱ و همکاران (۵۶۳: ۲۰۱۳) گویش را این‌گونه تعریف کرده‌اند: گونه‌ای از زبان که دستور آن به شیوه‌ای نظاممند از سایر گونه‌ها متفاوت است. این تفاوت‌ها ممکن است واژگانی، آواشناسی، نحوی و معنایی باشند و (۱۹۹۱: ۱۰۲) گویش را گونه زبانی خاص یک ناحیه یا یک گروه اجتماعی می‌داند که توسط مجموعه‌ای از واژه‌ها و ساختارهای دستوری از دیگر گونه‌ها تمایز می‌شود. علاوه‌بر گویش، که به گونه زبانی یک جامعه زبانی اشاره دارد، می‌توان از گویش فردی برای اشاره به ویژگی‌های زبانی تک‌تک افراد نیز سخن راند که زبان یک فرد شامل همه پاره‌گفتارهای محتمل و یا برونداد زبانی فرد (ونه دانش درونی در ذهن) را شامل می‌شود. در مطاله گویش فردی، آن الگوهای تنوع زبانی موردتوجه است که فرد را از سایر گویشوران تمایز می‌کند (هازن، ۳: ۲۰۰۶، ۵۱۲).

گاهی افرادی که به شیوه یکسانی صحبت می‌کنند ممکن است به این دو پرسش که «به چه زبانی صحبت می‌کنی؟» و «به چه گویشی صحبت می‌کنی؟» پاسخ کاملاً متفاوتی بدهند. به باور هاگن^۲ (۱۹۶۶: a) این دو اصطلاح مبهم‌اند. مردم عادی این دو اصطلاح را آزادانه در گفتارشان به کار می‌برند، برای آن‌ها یک گویش تقریباً چیزی بیشتر از گونه محلی بدون پرستیز (و بنابراین بدون قدرت) یک زبان واقعی نیست. در مقابل، برای محققان معمولاً تضمیم‌گیری درباره اینکه در کدام موقعیت کدام اصطلاح باید استفاده شود بسیار دشوار است. همان‌گونه که هاگن می‌گوید این دو اصطلاح در واقع نمایاننده یک تقسیم‌بندی دوتایی ساده در موقعیتی بسیار پیچیده‌اند.

1. V. Fromkin

2. D. Cristal

3. K. Hazen

4. E. Haugen

به باور وارداف (۲۰۰۶: ۲۸)، شاید بتوان گفت که این سردرگمی به دوران یونان باستان بازمی‌گردد. زبان یونانی مربوط به یونان باستان در واقع مجموعه‌ای است از گونه‌های محلی مجزا (آیونیک^۱، دوریک^۲ و آتیک^۳) که در نتیجه واگرایی (اشتقاق) از یک منع گفتاری مشترک به وجود آمدند و هرگونه سنت‌ها و کاربردهای ادبی خاص خودش را داشته است. برای نمونه، آیونیک برای تاریخ، دوریک برای سرودخوانی و غزل، آتیک برای نمایش استفاده می‌شده است. بعدها، در نتیجه هم‌گرایی گونه‌های گفتاری مختلف با گویش آتنی، که مرکز اصلی فرهنگی و اداری بود، یونانی آتنی^۴ به عنوان کوینه^۵ یا گویش مشترک گونه هنجار زبان گفتاری شد. به باور هاگن، موقعیت یونان الگوی کاربردهای بعدی این دو اصطلاح با ابهام حاصل از آن شد. زبان برای اشاره به یک هنجار زبانی واحد^۶ یا مجموعه‌ای از هنجارهای به هم مرتبط به کار می‌رفت و گویش به یکی از آن گونه‌های معیار اطلاق می‌شد. این موقعیت با تمایزی که در زبان فرانسه بین «un dialecte» و «un patois» قابل می‌شدن پیچیده‌تر شد. اصطلاح اول به گونه‌های ناحیه‌ای یک زبان اطلاق می‌شود که سنت ادبی دارد و اصطلاح دوم برای اشاره به گونه ناحیه‌ای است که سنت ادبی ندارد. در زبان انگلیسی گویش هم برای اشاره به گونه‌های محلی انگلیسی، برای مثال، گویش یورکشاير^۷ و هم برای گونه‌های مختلف طبقه پایین یا روستایی به کار می‌رود. بنابراین، به طور کلی مشخص نمی‌شود که آیا این گویش‌ها بخشی از «یک زبان» هستند یا نه. در واقع، معمولاً گویش را خارج از زبان و غالباً هم معنی با غیرمعیار یا زیرمعیار در نظر می‌گیرند که خود به طور ضمنی القاکننده درجاتی از زیردست‌بودن و حقیرشمردن است و به افرادی که به آن گویش صحبت می‌کنند نیز منتقل می‌شود.

یک دلیل دیگر برای دشواری تعریف این دو اصطلاح کاربرد زبان و گویش در معنای تاریخی است، به این معنی که می‌توان از زبان‌هایی مانند انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی و هندی به عنوان گویش‌های هند و اروپایی یاد کرد. با این فرض که زمانی یک زبان واحد هند و

1. Ionic

2. Doric

3. Attic

4. Athenian Greek

5. koiné

6. single linguistic norm

7. Yorkshire

۲۰ رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی

اروپایی وجود داشته است و گویشوران آن زبان (که احتمالاً گویش‌های گوناگونی داشتند) در نقاط مختلف دنیا پراکنده شدند و زبان اصلی سرانجام به زبان‌های مختلفی تقسیم شده است که امروزه تحت عنوان خانواده زبان‌های هند و اروپایی شناخته می‌شوند. با وجود این، برخلاف الگوی نو DSTORIAN^۱ مبنی بر اینکه دو گونه از هم جدا می‌شوند و دیگر هیچ برخوردي با هم ندارند، فرآيند اشتراق چهارچوب مشخصی ندارد. در اين ميان بي شک فرآيندهای همگرایی نيز رخ داده است، حتی همگرایی زبان‌های کاملاً غیرمربط یا زبان‌هایی که به هیچ‌یك از خانواده‌های زبانی شبیه نیستند. برای نمونه، زبان‌های هند و اروپایی و دراویدی^۲ در جنوب هند و سریلانکا^۳ بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند و در بالکان^۴ شواهد قابل ملاحظه‌ای از گسترش مشخصه‌های مشترک بین زبان‌هایی مانند آلبانیایی^۵، یونانی، ترکی و برخی از زبان‌های اسلامویایی^۶ دیده می‌شود. در چنین موقعیت‌هایی، تفاوت‌های زبان و گویش تا حد زیادی محو می‌شوند (همان: ۳۳).

اصطلاح مهم دیگر در پژوهش‌های گویشی لهجه^۷ است. لهجه به شیوه تلفظ گویشور و به گونه زبانی اشاره می‌کند که به لحاظ آوازی یا واجی متفاوت از گونه‌های دیگر است و گویش به گونه‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر تفاوت‌های واجی، به لحاظ دستوری و شاید واژگانی نیز با گونه‌های دیگر متفاوت است. اگر دو گویشور بگویند I did it last night و I done it last night می‌توانیم بگوییم که به گویش‌های مختلفی صحبت می‌کنند. زبان‌شناسان نیز بر حسب ضرورت این دو اصطلاح را به کار می‌برند و گاهی این گونه به نظر می‌رسد که تعریف هر یک به طور دقیق مشخص است و کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند، ولی واقعیت این گونه نیست و گویش و لهجه همواره در هم ادغام می‌شوند بدون آنکه مرز مشخصی بین آن‌ها باشد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد هنوز برای تعیین مرز سه اصطلاح رایج در پژوهش‌های گویشی، یعنی زبان و لهجه و گویش، معیار قطعی ارائه نشده است و در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد. همین امر موجب شده است که در بسیاری از پژوهش‌های گویشی از اصطلاح خنثای «گونه» برای اشاره

1. neo-grammarians

2. Dravidian languages

3. Sri Lanka

4. Balkans

5. Albanian

6. Slavic languages

7. accent